

شاخص‌های اقتصادی به زبان ساده

امروزه علم اقتصاد موفق‌ترین علم در میان علوم اجتماعی ارزیابی می‌شود چرا که با اتکا به ابزار ریاضی توانسته روش‌های اصولی برای مطالعه تعیین و پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی ارائه کند؛ اما پیشرفت آن، هم‌زمانی میان دانش آموختگان رشته اقتصاد و توده مردم را بیش از پیش کاهش داده است. نزدیک به یک دهه است که اقتصاددانان در آمریکا و اروپا متوجه این ضعف شده‌اند و قدم‌هایی در جهت رفع این خلا برداشته‌اند، ولی این فاصله کماکان بسیار زیاد است و نیاز است تا گام‌های بسیار بیشتری در این راستا برداشته شود.

در ایران نیز همین مشکل با پیچیدگی بیشتری مطرح است چون در تمام سطوح آموزشی علم اقتصاد بسیار محدودتر و نارساتر است و از این جهت خلاءهای بزرگتری حس می‌شود. با این اوصاف آموزش شاخص‌های کلان اقتصادی به زبان ساده در بیان موثر و همه‌فهم مباحث پیچیده اقتصاد بسیار حائز اهمیت است. که در شماره پیش راه‌های رسیدن به توسعه اقتصادی و افزایش درآمد سرانه ملی تشریح شد. حال که مشخص شد افزایش نرخ رشد اقتصادی راه توسعه اقتصاد است در این شماره به این سوال می‌پردازیم که چه عواملی موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود و چه سیاست‌هایی در این زمینه باید اتخاذ شود؟

برای فهم آسان‌تر به بیان سوالی می‌پردازیم؛ برای اینکه در یک شغل شروع به کار کنید و موفق شوید به چه چیزی احتیاج دارید؟ بی تردید اولین پاسخ شما و هر فرد عادی این خواهد بود که به پول و سرمایه نیاز داریم. تردیدی نیست که شروع یک فعالیت بدون سرمایه ممکن نیست. بنابراین برای رشد اقتصادی کشور، افزایش سرمایه‌گذاری شرط لازم است.

بنابراین تا زمانی که سرمایه‌گذاری در کشور کم باشد، رشد اقتصادی کم خواهد بود؛ و تا زمانی که رشد اقتصادی کم باشد، کیفیت آموزش، بهداشت، رضایت شهروندان و هزاران متغیر اقتصادی دیگر پایین خواهد بود؛ اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری خود هدف نیست، بلکه معلول تقاضا، انگیزه‌های تولید و کارآفرینی است. به عبارت دیگر، نباید مثل بوروکرات‌ها تصور کرد که صرفاً با افزایش سرمایه‌گذاری از طریق دولت می‌توان به توسعه رسید، بلکه باید شرایطی ایجاد شود که افراد به کارآفرینی و تولید متمایل شوند و برای آن سرمایه‌گذاری کنند. به هر سو در تحلیل نهایی، تحلیل گران رشد را به میزان سرمایه‌گذاری ربط می‌دهند.

و	اما	سرمایه	گذاری	از	چه	محلی	فراهم
---	-----	--------	-------	----	----	------	-------

می‌شود؛ سرمایه‌گذاری از محل پس انداز فراهم می‌شود و نهادهای مالی و پولی در جذب پس اندازها از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. به بیان ساده‌تر، رابطه نزدیکی میان توسعه بخش مالی و رشد وجود دارد به طوریکه نهادهای مالی بازیگر اصلی تامین سرمایه هستند. اما نهادهای مالی و پولی در ایران یا ناقص هستند یا به شکل کارا عمل نمی‌کنند.

در سال‌های بعد از انقلاب بازار بورس تقریباً در حالت تعطیلی قرار داشت و رونق آن اواخر دهه ۷۰ شروع شد. از این رو در یک بازه زمانی اقل ۲۰ ساله، کشور فاقد این نهاد مهم برای جذب سرمایه و پس انداز بود. هم اکنون نیز بازار سرمایه نتوانسته است در مقایسه با بازار پول نقش قابل توجهی در تجهیز سرمایه ایفا کند. از سوی دیگر تا اواخر دهه ۷۰، بانک‌های خصوصی و موسسات پولی و اعتباری به طور قانونی اجازه فعالیت نداشتند. بنابراین بانکهای دولتی تنها گزینه‌ای بودند که از طریق آنها جذب سپرده‌های مردم صورت می‌گرفت. متأسفانه نظام بانکداری دولتی از مشکلات متعددی رنج می‌برد که مهمترین آنها سیاست پرداخت سود منفی به سپرده‌گذاران بود. به این ترتیب عملاً هیچ کانال رسمی و در عین حال جذابی برای جذب سپرده‌های مردم وجود نداشته است.

سرمایه‌گذاری یا توسط دولت انجام می‌شود، یا توسط بخش خصوصی. درآمدهای دولت صرف هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی که مصداق سرمایه‌گذاری است. هرچه تشکیلات دولت بزرگتر باشد و دولت علاوه بر وظایف اصلی خود، وظایف بیش تری را تقبل کند، سهم هزینه‌های جاری به زیان هزینه‌های عمرانی بیش تر خواهد شد. از سویی، هرچه درآمدهای دولت کم تر شود، امکان سرمایه‌گذاری دولتی کمتر خواهد شد.

به این ترتیب در مراحل اولیه، سرمایه‌گذاری دولتی در اموری چون ایجاد شبکه سراسری راه، ارتباطات، بهداشت، آموزش و اقداماتی نظیر آن و همچنین پروژه‌های صنعتی چون ذوب آهن، معدن و غیره، تأثیر قابل توجهی در ایجاد رشد دارد.

با این تفاسیر سرمایه‌گذاری اصولاً به معنی هزینه کردن در زمان حال، به امید دست یافتن به درآمد بیش تر در آینده است.

با این حال درآمد آینده، امری غیر قطعی است، چرا که به آینده مربوط است. اما هر چقدر محیط اقتصادی داری ثبات بیش تری باشد، پیش بینی و تخمین آینده، دقیق تر و به تبع آن، سرمایه‌گذاری ممکن می‌شود.

به همین دلیل مهم ترین تلاش مسئولین کشورهای توسعه یافته، ایجاد ثبات در عرصه کلان اقتصادی است تا عاملان اقتصادی بتوانند سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند. تحقیقات اقتصادی نیز رابطه بین بی ثباتی و عدم سرمایه‌گذاری را نشان داده است.

برهمن	اساس	يکي	از	دلایل	کمبود
سرمایه گذاری خصوصی در ایران، بی ثباتی اقتصادی است. بی ثباتی اقتصادی، مولد علل مختلفی است. نخست آنکه در هر کشوری که تورم وجود داشته باشد، بی ثباتی زیاد خواهد بود؛ نفوس وجود تورم، احساس بی ثباتی را در سرمایه گذاران تشدید می کند. از سوی دیگر اقتصاد ایران شدیداً تحت تاثیر میزان درآمدهای نفتی قرار دارد و درآمدهای نفتی به دلیل قابل پیش بینی نبودن قیمت نفت و تغییرات شدید آن، دچار نوسانات زیاد می شود. بعد دیگری از مسئله بی ثباتی اقتصادی ناظر به نوسانات در سیاست گذاری ها است. سیاست اعلام شده از سوی سیاست گذاران، یکی از اطلاعاتی است که عاملان اقتصادی در محاسبات خود وارد می کنند.					
حال هر چه نوسان در سیاست گذاری ها بیشتر باشد، عاملان اقتصادی با دشواری بیشتری می توانند درباره پیش بینی بازده و سود					
سرمایه گذاری های خود تصمیم گیری کنند. به همین دلیل است که ثبات سیستم سیاسی برای سرمایه گذاران اهمیت دارد. فارغ از اینکه یک نظام سیاسی خوب یا بد باشد، ثبات آن اهمیت دارد؛ چرا که نشان دهنده تداوم یک سیاست است.					